

امنیت پایدار نظام جمهوری اسلامی ایران؛ الگویی برای تبیین و اجرای سیاست‌های کلان

نوراله قیصری*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۲/۷

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۵/۴

چکیده: امنیت پایدار از جمله موضوع‌های سیاست‌های کلان برنامه پنجم توسعه نظام جمهوری اسلامی ایران است که ابعاد تبیینی و اجرایی آن کمتر مورد توجه قرار گرفته است. از این رو پرسش اصلی مقاله این است که «چگونه می‌توان سیاست‌های کلان امنیت پایدار را تبیین و اجرایی ساخت؟» در پاسخ پرسش فوق تلاش شده است با نظر داشت مضامین و محتوای ایده‌های سیاست‌های کلی، الگویی کلان در ابعاد نظری و راهبردی جهت تمهید مقدمات تبیینی و اجرایی شدن سیاست‌های کلی این موضوع فراهم گردد. در طراحی الگوی اصلی و بسط اجزا و انواع الگوهای فرعی، از روش‌های الگوسازی فرمال و غیرفرمال به صورت مجزا و ترکیبی بهره‌گیری شده است. الگوی کلان به‌دست داده شده شامل الگوهای فرعی مفهومی و سناریوهای اجرایی در چهار عرصه مفهومی، آرمانی، رویکردی و اقدام است که نقشه راه تبیین و اجرایی شدن سیاست‌های امنیت پایدار را به دست می‌دهد. امنیت پایدار حاصل تقارن حالت‌های وضعیت و سیستم است.

کلیدواژه‌ها: پایداری، امنیت پایدار، سیاست‌های کلان، الگو، نظام جمهوری اسلامی ایران.

مقدمه

با ظهور «بازیگران قدرتمند»، «بحران‌های مالی» و «انقلاب اطلاعات و ارتباطات» تهدیداتی نوین ظاهر شده است (Aguirre, 2008: 1-10). حاصل تغییر گفتمان و مرجع امنیت و الزام دولت‌ها به تغییر در رویکرد و راهبرد امنیتی به «امنیت پایدار» بوده است (Buzan and etall, 1998: 21-23; Smith, 2008). متأثر از این الزامات در سیاست‌های کلان برنامه پنجم توسعه نظام جمهوری اسلامی؛ فصلی به این مهم اختصاص یافته است. عملی شدن این سیاست‌ها به تلاش نظری در بازنمایی ایده‌ها، و تبیین الزامات راهبردی و رویکرد عملی نیاز دارد. هدف این مقاله رفع این نیاز با طرح این پرسش است که «چگونه می‌توان سیاست‌های امنیت پایدار نظام جمهوری اسلامی را تبیین و اجرایی ساخت؟» پاسخ نیازمند طراحی الگویی کلان است. در طراحی الگو چهار عرصه که مقدمه تصمیم‌گیری، راهبردپردازی و برنامه‌ریزی است، در پیوند با یکدیگر قرار می‌گیرد:

اول: عرصه مفهومی؛ نظریه‌پردازی و تعریف مفاهیم،

دوم: عرصه آرمانی؛ ترسیم وضعیت‌های مطلوب و نامطلوب،

سوم: عرصه رویکردی؛ الزامات راهبردی پایدارسازی،

چهارم: عرصه اقدام؛ ترسیم محدوده و فضای عمل.

روش پژوهش مقاله الگوسازی است. الگوسازی حاصل فرآیند تأمل و بیان حدسیات در ماهیت، رفتار و مواجهه با پدیده‌ها است. بخشی از این حدس‌ها اشراقی و بخشی حاصل مشاهده و شناخت شباهت‌های انواع و ابعاد پدیده‌ها است و بیان آن‌ها به صورت گزاره‌های صریح الگوسازی است. اندیشیدن به پدیده‌ها در قالب اجزای سازنده این گزاره‌ها صورت می‌گیرد. حال «اگر گزاره‌ها با الفاظ واقعی بیان شود، مدل‌سازی غیرفرمال و اگر با الفاظ و مفاهیم انتزاعی و یا بهره‌گیری از نماد بیان شود، مدل‌سازی فرمال خواهد بود. مدل‌ها معمولاً به صورت نمودار یا در قالب جداول و یا گزاره‌ها و جملات ترسیم و بیان می‌شوند (Morton, 2004: 34-35). در این پژوهش یک الگوی اصلی و چندین الگوی فرعی طراحی شده است. در طراحی الگوها حسب ماهیت موضوع گاه از روش غیرفرمال و گاه از روش فرمال بهره گرفته شده است. در برخی از موارد مطالب یک متن مربوط به موضوع به الگو تبدیل شده است همانند الگوی امنیت پایدار در سیاست‌های کلی نظام و در مواردی الگو برآمده از پژوهش و تأمل در مختصات موضوع است همانند الگوهای پایداری و انواع آن و در برخی موارد حاصل تلفیق یک روش با روش دیگر، همانند الگوی امنیت پایدار و تهدیدات و سطوح اقدام آن.

۱. عرصه مفهومی: پایداری و امنیت

پایداری و پایداری‌سازی، تا زمان طرح در آموزش‌های مذهبی، اندیشه‌های سیاسی، نظریه‌های اقتصادی و توسعه (Kassel, 2012: 134)، سابقه‌ای ندارد. در دهه نود و با شدت یافتن تهدیدات زیست محیطی، «توسعه پایدار» مورد توجه سازمان ملل متحد قرار گرفت (Straussfogle, 1997: 281). از آن پس در برنامه‌ریزی‌های عمومی، به «پایداری» و تحقق آن توجه شد و اصطلاحات و مقولاتی چون «توسعه پایدار»، «محیط زیست پایدار»، «امنیت پایدار» و «شهروندی پایدار» (Micheletti and Stolle, 2012) رایج شد.

۱-۱. مختصات مفهومی

از بعد مفهومی، پایداری ترجمه Sustainability مشتق از فعل Sustain و از ریشه Sustinere لاتین به معنی نگه‌داشتن و نگاه‌داشتن و از نظر کاربرد نحوی بیشتر در نقش صفت با موصوف‌های متعدد ظاهر شده است. اما در معنای پایداری اجماع نظر نیست و در عمل مضمون پایداری تابع مختصات موصوف و قصد و نیت گوینده یا مولف بوده است (Simon and Starr, 2000: 7). از نظر منشاء، پایداری به مبادی مختلف به‌ویژه مطالعات توسعه مطالعات توسعه (Straussfogle, 1997: 287) و مطالعات بوم‌شناختی ارجاع دارد. در این حوزه پایداری به معنای ظرفیت تحمل اکولوژیکی یا استعمار منابع است. در این معنا هر زیست بوم، ظرفیت منتفع ساختن تعداد معینی بهره‌گیرنده را دارد و افزایش بیش از این، به کاهش ناگهانی تعداد بهره‌گیران یا نابودی زیست‌بوم می‌انجامد (Simon and Starr, 2000: 6-7). بنابراین پایداری در زیست‌بوم‌ها؛ حفظ ظرفیت بهره‌دهی، در حال و آینده است. «عدالت، واقع‌گرایی همزیست‌گرایانه، همکاری چندجانبه فرهنگی» ارکان امنیت ملی پایدار از نظر نایف رودهان است (آدمی و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۱). مرکز آمریکایی پیشرفت، امنیت پایدار آمریکا را حاصل پیوند؛ «امنیت ملی یا امنیت ایالات متحده آمریکا، امنیت انسانی یا رفاه و ایمنی مردم و امنیت جمعی یا منافع جمعی کل جهان» تعریف کرده است (Smith, 2008: 1). از دیدگاه گروه پژوهشی آکسفورد، امنیت پایدار نه از کنترل بلکه از تغییر بنیادین در نحوه سازمان‌یافتگی و حفظ قدرت در جهان حاصل می‌شود (Oxford Research Group, 2012). راهبردهای پیشنهادی این گروه در جدول شماره ۱ بیان می‌شود.

جدول ۱. راهبردهای امنیت پایدار گروه پژوهشی آکسفورد

تهدیدات جهانی	راهبرد پارادایم کنترل	راهبرد امنیت پایدار
رقابت برای منابع	کنترل خلیج فارس	خروج از اقتصاد کربن پایه
تغییرات زیست‌محیطی	انرژی هسته‌ای	انرژی‌های تجدیدپذیر
نظامی شدن جهانی	محدودسازی غنی‌سازی هسته‌ای	خلع سلاح
حاشیه‌ای شدن	کنترل اجتماعی	کاهش فقر

منبع (Oxford Research Group, 2012: 7)

این نگرش‌ها از منظر لیبرالی، بی‌توجه به نیازها و تفاوت‌های امنیت‌جویان و آرمانی است.

۱-۲. تعریف پایداری

پایداری صرفاً به معنای حفظ ظرفیت در سیستم‌ها نیست، بلکه اشیاء، امور، وضعیت‌ها، افراد و... را نیز شامل می‌شود. اگر تداوم بهره‌دهی زیست‌بوم به معنای پایداری است، برای شیئی متحرک، حرکت و برای وضعیت یا شیئی ایستا، تداوم ایستایی به معنای پایداری است. بنابراین می‌توان گفت «پایداری؛ وجود، حضور و تداوم خاصه، صفت، ویژگی، کارکرد و کیفیت ذاتی یا تعریف شده برای یک فرد، شیئی، سیستم و وضعیت در طول زمان است، مادامی‌که آن فرد، شیئی، سیستم و وضعیت موجودیت خود را حفظ می‌کند». البته در واقعیت، پایداری همواره نسبی است و وضعیت وصفی این تعریف بیان وضعی آرمانی است. فرهنگ‌ها، ایدئولوژی‌ها، و... همواره معنا و انتظاراتی متفاوت از پایداری پدید می‌آورند. وضعیت پایداری را می‌توان بر اساس دو خاصه یا معیار «ارزش» و «شدت» تعیین کرد. پایداری بر مبنای ارزش به مثبت و منفی و بر مبنای شدت به قوی و ضعیف قابل تقسیم است. منظور از ارزش ویژگی مطلوب و منظور از شدت درجه و میزان حضور آن ویژگی است.

الف. ارزش و ضدارزش: منظور از ارزش‌ها، مطلوب‌ها یعنی خواسته‌ها، انتظارات و منافع ذی‌نفعان است. ضدارزش‌ها متضاد مطلوب‌ها است. سلامت بدن، رشد اقتصادی، تعادل بازار و بیماری، رکود، تورم نمونه‌هایی از ارزش‌ها و ضدارزش‌های فردی، اجتماعی و ملی است. حضور مداوم ارزش‌ها و یا ضدارزش‌ها در طول زمان به معنی پایداری مثبت و پایداری منفی است.

ب. درجه و شدت: پایداری را بر اساس درجه و شدت حضور ارزش و ضدارزش به قوی و ضعیف تفکیک می‌شود. در «پایداری زیست‌محیطی»، استعمار تابع ظرفیت بهره‌دهی قوی و تابع سود و زیان، ضعیف خواهد بود. (Blackburn, 2007: 6; Simon and Starr, 2000: 13-14).

اصولاً بهره‌کشی بیش از ظرفیت، یا حضور اخلاص‌گر بیش از توان دفاعی و تعادلی سیستم و

وضعیت و ناپایداری تولید می‌کند. پایداری قوی حضور، کیفیت، خاصه یا ویژگی در سیستم یا وضعیت است، به نحوی که بقای آن‌ها در طول زمان تضمین شود. بنابراین «حفظ و تداوم موجودیت یک سیستم یا وضعیت، منطبق با انتظارات در طول زمان را، پایداری قوی می‌نامیم». در این جا نیز وضعیت‌ها، آرمانی است و در واقعیت ضعف و قوت، به‌خصوص در امور انسانی، از حد و اندازه معینی قابل افزایش نیست. شدت یافتن ضعف و قوت به فروپاشی درونی و یا به انفجار می‌انجامد. از ترکیب دو نوع مثبت و منفی با قوی و ضعیف، انواع ترکیبی و ثانوی پدید می‌آید (جدول ۲) که برای ترسیم وضعیت‌های واقعی راهنما است.

جدول ۲. انواع ترکیبی پایداری

شدت ارزش	قوی	ضعیف
مثبت	پایداری مثبت قوی	پایداری مثبت ضعیف
منفی	پایداری منفی قوی	پایداری منفی ضعیف

ج. شاخص ترکیبی: با استفاده از شاخص‌های پیشین، ماتریسی تحلیلی از انواع امنیت پایدار حاصل می‌شود که دارای چهار گونه اصلی به شرح زیر است:

یک. پایداری مثبت قوی: پایداری مثبت قوی شرایطی است که هیچ‌گونه اختلالی در عملکرد سیستم یا صورت‌بندی وضعیت مشاهده و پیش‌بینی نمی‌شود و کاربران، طراحان و ذی‌نفعان رضایت داشته و همه چیز ایده‌آل است. این وضعیت شدیداً آرمانی است.

دو. پایداری مثبت ضعیف: در این شرایط ارزش‌ها و مطلوب‌های مورد نظر کمابیش در حد انتظار وجود دارد و سیستم کارکرد و وضعیت حالت عادی خود را دارد، اما ارزش‌های متعارض نیز پدیدار شده است. البته شدت حضور ضدارزش‌ها به حدی نیست که حالت وضعیت یا کارکرد سیستم دچار اختلال گردد. امکانات تعادلی وضعیت و سازوکارهای دفاعی سیستم توانایی مهار معضلات را دارد. در محیط رقابتی پایداری به معنی پذیرش برتری یک یا چند رقیب عمده توسط اکثریت است، منتهی همگی مترصد تغییر شرایط هستند. با این همه بقای وضعیت و سیستم با چالش جدی مواجه نیست، اما در صورتی که ذی‌نفعان تمهیدات لازم برای مهار ضدارزش‌ها و رقبای در حال ظهور و اکثریت ناراضی را پیش‌بینی نکنند، ممکن است اوضاع تغییر کند و کارایی سیستم و تعادل وضعیت با مخاطره روبرو شود. چنین وضعیتی با مصادیق واقعی نزدیکتر است.

سه. پایداری منفی قوی: در این شرایط حضور ضدا ارزش‌ها به درجه‌ای است که بقای سیستم و وضعیت با مخاطره جدی مواجه شده و هر آن ممکن است وضعیت تغییر کند و یا سیستم پاشیده شود. در چنین شرایطی سازوکار تعادلی و دفاعی وضعیت و سیستم به کلی از کار افتاده و امیدی به برگشت نیست. شدت یافتن اختلافات درون حزبی، اقدامات و بیروسی‌های رایانه‌ای، تورم و عرضه بیش از توان مدیریتی، دفاعی، تولیدی و خرید نمونه‌هایی از چنین وضعیتی است. چنین شرایطی دوام نداشته و در اکثر موارد به فروپاشی سیستم و تغییر وضعیت می‌انجامد.

چهار. پایداری منفی ضعیف: در این وضعیت ناپایداری به پایداری می‌رسد و نه ضد ارزش‌ها توانایی ایجاد اختلال اساسی در تعادل وضعیت و کارایی سیستم را دارند و نه نیروهای دفاعی و سازوکار تعادلی موفق به مقابله می‌شوند. دست‌به‌دست شدن قدرت میان گروه‌های رقیب و ناتوانی یکی در تسلط بر دیگری در دولت‌های ائتلافی و یا مناطق درگیر جنگ داخلی، نمونه‌هایی از ناپایداری ضعیف است. این وضعیت را می‌توان پایداری در ناپایداری نامید.

۳-۱. امنیت پایدار

با توجه به مختصات «پایداری» و «امنیت»، امنیت پایدار؛ اطمینان قوی توأم با شواهد عینی نسبت به بقا، تداوم و استمرار وضعیت‌ها و نظام‌های مؤثر در حفظ و ارتقای فیزیک جسمانی، هویت و دارایی‌های مادی و معنوی از سوی امنیت‌جویان در برابر تهدیدات موجود و متصور حال و آینده، تعریف می‌شود. بر این مبنا امنیت پایدار شامل:

اولاً: ابعاد فیزیکی و هویتی؛

ثانیاً: حاصل تقریب ادراک، تصور و ارزیابی بر اساس شاخص‌های قابل مشاهده و سنجش؛

ثالثاً: معطوف به وضعیت و نظام‌های مؤثر در پویایی امنیت‌جویان است.

در بروز پایداری و ناپایداری بین وضعیت و نظام نمی‌توان قایل به تقلّم زمانی و رتبی شد. در استقرار پایداری و ناپایداری وابستگی و هم‌زمانی میان این دو عنصر وجود دارد. براساس بود و نبود اختلال در یک عنصر و عنصر دیگر سناریوهای محتمل را می‌توان طراحی کرد. در حالت اول نه در نظام و نه در وضعیت هیچ‌گونه اختلالی مشاهده نمی‌شود. این وضعیت ایده‌آل و کم‌دوام است. در وضع دوم، اختلال یک عنصر به دیگری سرایت نکرده است. در این صورت عنصر آسیب‌دیده فرصت بازسازی خود را دارد، مگر اینکه عامل آسیب‌زا توانی بیش از سیستم دفاعی یا سازوکار تعادلی داشته باشد. این وضعیت برای نظام‌های سیاسی اهمیت دارد. اختلال در نظام سیاسی مادامی که وضعیت پایداری خود را حفظ می‌کند، قابلیت کنترل و مهار شدن دارد. اما اگر اختلال در نظام با ناپایداری در وضعیت همراه شود، خطر فروپاشی نظام افزایش می‌یابد. انقلاب‌های رنگی نمونه‌ای از این تغییرات

است. در وضع سوم اگر نظام پایداری خود را حفظ کند و وضعیت بحرانی گردد، نظام در تداوم و بقا با چالش‌های جدی مواجه خواهد شد. وضعیت اشغال نظامی و جنگ داخلی (همانند وضعیت کنونی سوریه) چنین شرایطی برای نظام سیاسی ایجاد می‌کند. در این حالت برای پرهیز از نفوذ ناپایداری به درون نظام، باید برای اعاده تعادل به وضعیت اقدام شود. در صورتی که نظام و وضعیت، همزمان دچار ناپایداری شوند، تغییر حتمی خواهد بود. بنابراین امنیت پایدار تابع اقتضائات و تقارن و عدم تقارن در بود و نبود و همزمانی و ناهمزمانی تهدیدات در طول زمان در نظام و وضعیت است.

تلاقی ارزش و شدت وضعیت‌های پایداری و ناپایداری امنیت را مشخص می‌کند (جدول ۳). امنیت فی نفسه ارزش و ناامنی ضدارزش است، لذا امنیت مثبت و منفی ترکیبی بلاوجه است. لکن می‌توان از امنیت با پایداری قوی و ضعیف و ناامنی با پایداری قوی و ضعیف صحبت کرد.

جدول ۳. وضعیت‌های پایداری امنیت و ناامنی

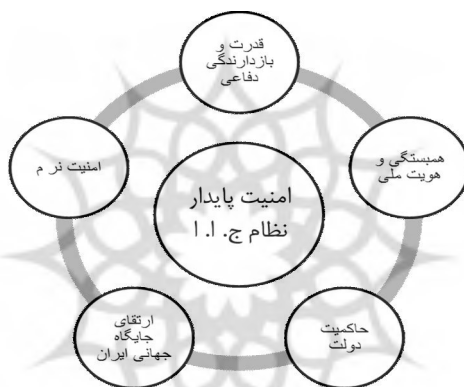
شدت ارزش	قوی	ضعیف
امنیت	پایداری قوی	پایداری ضعیف
ناامنی	پایداری قوی	پایداری ضعیف

امنیت پایدار قوی وضعیتی است که هیچ‌گونه تهدید واقعی و تصویری در نظام و وضعیت متوجه امنیت‌جویان نباشد. البته چنین وضعیتی استثنایی و موقتی است. نظام‌ها و وضعیت‌ها معمولاً دچار فرسایش و تغییر می‌شوند. امنیت پایدار ضعیف، وضعیتی است که در آن تهدیدات مخاطره‌انگیز وجود ندارد و سیستم کارایی و وضعیت تعادل خود را حفظ می‌کند و احساس ناامنی ناچیز است. نیروهای دفاعی سیستم و سازوکارهای تعادلی وضعیت توان مقابله با چالش‌های موجود و احتمالی را دارند. اختلال‌های اتفاقی مهار می‌شوند و تغییر اساسی رخ نمی‌دهد. چنین وضعیتی با وضع واقعی نظام‌های سیاسی و وضعیت‌ها انطباق بیشتری دارد. ناامنی پایدار قوی، وضع شرایط بحرانی است. وضعیتی که شدت تهدیدات، توان دفاعی و تعادلی نیروها و سازوکارها را مختل و بقای سیستم و وضعیت را دچار چالش‌های جدی نموده است. احساس ناامنی شدید بوده و آمیدی به تداوم و بقای وضع موجود نیست. اشغال نظامی، انقلاب، برخی از آشوب‌ها و درگیری‌ها و تغییرات حاد در بازارها از این گونه است. ناامنی پایدار ضعیف وضعی مشابه امنیت پایدار ضعیف است با این تفاوت که در آن نیروهای تعادلی و دفاعی قادر به مهار عناصر مخمل هستند و نوعی موازنه و

همسازی میان آن‌ها ایجاد شده است. همانند وضعیت نیروهای مرزبانی و قاچاقچیان مسلح در برخی از مناطق.

۴-۱. امنیت پایدار در سیاست‌های کلان برنامه پنجم

در سیاستگذاری، امنیت پایدار به مثابه؛ ایده و برنامه‌ای برای ارتقای شاخص‌های امنیت و غلبه بر معضلات و آسیب‌های ناشی از بروز تهدیدات نوینی است که شکنندگی و ناپایداری امنیت را به همراه دارد و یا ناشی از این شکنندگی و ناپایداری است. در بندهای ۴۴ و ۴۵ سیاست‌های کلی برنامه پنجم، «امنیت پایدار» در پنج حوزه «هویت و همبستگی ملی، ارتقای جایگاه جهانی ایران، حاکمیت ملی، امنیت نرم و قدرت و بازدارندگی دفاعی» تبیین شده است (نمودار ۱).



نمودار ۱. امنیت پایدار نظام ج.ا.ا.

در این برنامه مقوله به تناسب اهمیت، به مقولاتی فرعی‌تر تقسیم شده. جزئیات جدول ۳. جدول ۳. مختصات امنیت پایدار نظام ج.ا.ا.

مؤلفه‌های اصلی	مقولات	مؤلفه‌های فرعی	مراجع	
زیرساخت‌های هویت و همبستگی	هویت و همبستگی ملی	ذکر نشده	منابع حیاتی کشور	
	ارتقای جایگاه جهانی ایران	قدرت اقتصادی	رشد اقتصادی	منافع ملی، امنیت ملی، اهداف ملی، استقلال
			رشد علم	
			رشد فن‌آوری	

نوسازی، توسعه و افزایش ضریب خودکفایی صنایع دفاعی	قدرت و بازدارندگی دفاعی	حاکمیت ملی، تمامیت ارضی، نظام جمهوری اسلامی، حریم فردی، حریم عمومی
گسترش پدافند غیر عامل		
ذکر نشده	هماهنگی قوای قضایی، انتظامی، اطلاعاتی	حاکمیت دولت
	مقابله با مفاسد و جرائم	
	توازن منطقه‌ای	
ذکر نشده	مردمی سازی امنیت	امنیت نرم
	تقویت نقش امنیتی بسیج مستضعفان	
	مقابله با تهدیدهای نرم	
ارتقاء سطح حفاظت از اطلاعات رایانه‌ای توسعه علوم و فناوری‌های حفاظت سامانه‌های اطلاعاتی و ارتباطی سامانه یکپارچه نرم‌افزاری اطلاعاتی	صیانت از فضای تبادل اطلاعات	

منبع: لوح سیاست‌ها، ۱۳۹۰

۵-۱. الزامات امنیت پایدار

توجه به مختصات فرهنگی، ارزشی و هویتی امنیت‌جویان برای پایدارسازی ضروری است. علاوه بر رویکرد، در برنامه‌ریزی نیز توجه به چند عامل دیگر لازم است:

اول. شناسایی پایدارکننده‌ها؛ عواملی که در پایدارسازی نقش برجسته‌تری دارند، همانند عوامل هویتی (زبان، مذهب، رسوم، نمادها و...)، اقتصادی (توزیع خدمات، فرصت‌ها و...)، نظامی و... دوم. تعیین موضوع، گستره و عرصه؛ حوزه‌های پایدارسازی (مرزها، آسیب‌های اجتماعی، مشروعیت نظام سیاسی و...)، موضوعات (مواد افیونی، منازعات نخبگان، تهدیدات نرم، اغتشاش، تحریم‌ها)، عرصه اقدام (شهر، استان، کشور، منطقه یا جهان...). در مواد ۲۰۳ و ۲۰۵ قانون برنامه

پنجم «مرزها و مناطق مرزی»، «دفاع از حاکمیت و منافع ملی» و «پیشگیری و مقابله با تهدیدات و تهاجم اطلاعاتی و امنیتی داخلی و خارجی به‌ویژه استکبار جهانی» به عنوان موضوع و محیط؛ داخلی، خارجی، منطقه‌ای، فرامنطقه‌ای و بین‌المللی به عنوان عرصه در نظر بوده است.

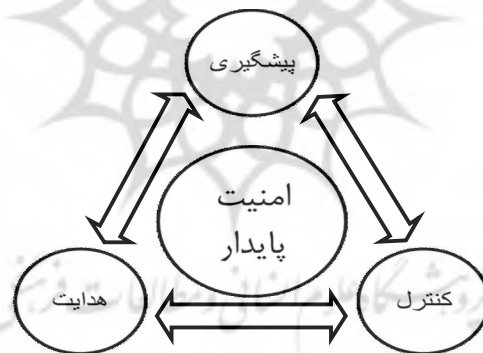
سوم. تعیین کیفیت؛ پایداری ضعیف در نظر است یا قوی.

چهارم. زمان و سنجه؛ امنیت توقیت‌بردار نیست. اما پایداری نیازمند پایش، بازبینی و آگاهی از بهبود شاخص‌ها است. بنابراین تعیین سنجه‌ها و دوره زمانی لازم است. دوره زمانی در برنامه توسعه پنج سال است اما سنجه و مقیاس مشخص نیست.

پنجم. رویکرد؛ هر رویکرد اقتضائات خود را دارد. رویکردهای ساختاری، گفتمانی، هویت پایه، نرم‌افزاری الزامات متفاوتی دارند.

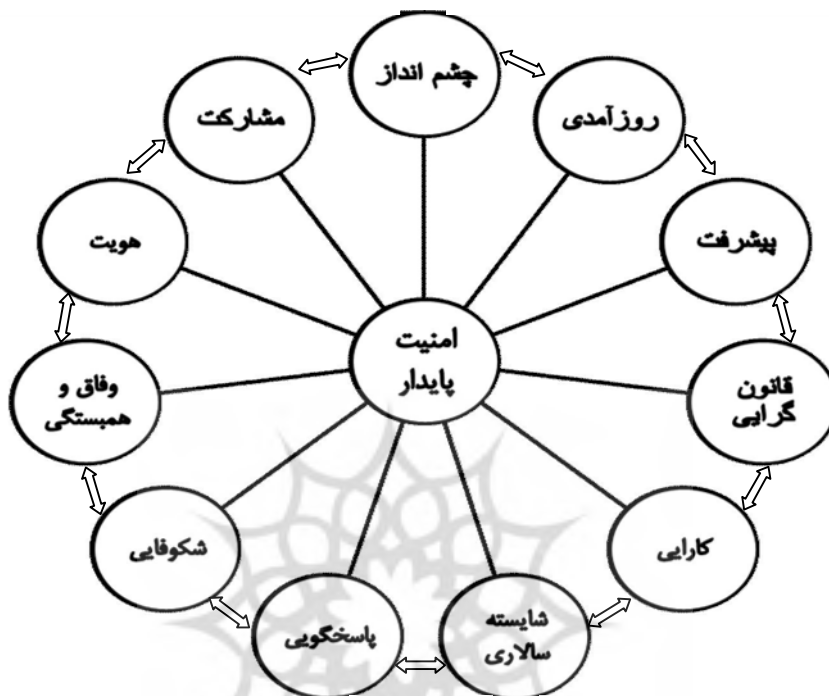
ششم. راهبرد و راهکار؛ برای ایجاد امنیت و دفع تهدیدات چه باید کرد؟ تهدیدزدایی و امنیت‌زایی مجموعه‌ای از راهبردها است. تهدیدزدایی شامل؛ هدایت، کنترل و پیشگیری از وقوع تهدید است. (نمودار ۲)

نمودار ۲. راهبرد تهدیدزدایی



امنیت‌زایی راهبردی برای کاهش نگرانی، رفع ابهام و ایجاد امید به آینده است. (نمودار ۳). چشم‌اندازسازی، روزآمدی، گفتمانی کردن پیشرفت، تحکیم قانون، شفافیت، پاسخگویی، کارایی، شایسته‌سالاری، شکوفایی، وفاق و همبستگی، هویت و مشارکت اجزای این راهبرد است.

نمودار ۳. راهبرد امنیت‌زایی



در تبصره ذیل ماده ۲۰۳ قانون برنامه پنجم، در «طرح امنیت پایدار» از اقداماتی چون «کنترل، مدیریت، حریم امنیتی، اقدام‌های عمرانی، انسدادی، اطلاعاتی، علمی، تجهیزاتی، فرهنگی و اجتماعی، اقتصادی و تقویت مرزبانی، به کارگیری بسیج و نیروی مردمی» به عنوان اقدامات مؤثر در پایدارسازی امنیت نام برده شده است.

۲. عرصه‌های اقدام در امنیت پایدار

هر کشور، نظام سیاسی یا اتحادیه منطقه‌ای، جغرافیایی امنیتی دارد که کانون‌های تهدید، و نوع بی‌ثباتی‌ها در آن شناسایی می‌شوند (افتخاری، ۱۳۷۹: ۱۴). این محیط عرصه اقدام پایدارسازی امنیت است. هر گونه تغییر - واقعی یا تصویری - در این عرصه اقدامات و برنامه‌های پایدارسازی را متأثر می‌سازد. در فضای جهانی شدن، بسیاری از کشورهای اروپایی و حتی آمریکا چنین تغییراتی را تجربه کرده‌اند. در جهان کنونی، عرصه‌ها محیط‌های داخلی، ملی، فراملی، منطقه‌ای، فرامنطقه‌ای و بین‌المللی را فرا می‌گیرد. از این‌رو علاوه بر ویژگی‌ها و مختصات هر عرصه، تهدیدات عام و خاص نظام جمهوری اسلامی در آن و اتخاذ

راهبردهای هماهنگ و به هم پیوسته تهدیدزدا و امنیت‌زا برای تحقق سیاست‌های امنیت پایدار لازم است. ضرورت این هماهنگی و پیوستگی از این باب است که برخی تهدیدات و اشکال ناپایداری به دلیل ماهیت و گستره ممکن است در دو یا چند عرصه ظاهر شوند و برای مهار آن‌ها نتوان به اقدامات در یک عرصه اکتفا کرد (شاکری، ۱۳۸۱: ۱۰۱-۱۰۲). در ادامه مطالب مختصات، عوامل و اشکال ناپایداری در هر یک از این محیط‌ها تشریح می‌شوند.

۲-۱. عرصه داخلی

در این عرصه هدف مهار تهدیداتی است که به نحوی موجودیت نظام سیاسی را تهدید می‌کنند. این‌گونه تهدیدات از ایدئولوژی‌ها، منازعات قدرت میان نظامیان و غیرنظامیان یا جناح‌های سیاسی و نخبگان رقیب ناشی می‌شود (Thomas, 2003: 220). این مسائل در اشکالی چون تظاهرات و آشوب‌های خیابانی، کودتا و ضدکودتا و تروریسم و اشکال آن (Wilkinson, 2010: 131) نمود می‌یابد. نظام جمهوری اسلامی در این عرصه تهدیدات خاصی هم دارد که نوع و جنس آن با تهدیدات سایر نظام‌ها متفاوت است. جدول شماره ۶ بیانگر اهم این تهدیدات و اشکال آن است.

جدول ۶. ناپایدارهای امنیت در عرصه داخلی

عوامل	اشکال
تبعیض در توزیع و تخصیص فرصت‌ها و امکانات	نارضایتی نخبگان، تعارضات احزاب و جریان‌های سیاسی، محلی‌گرایی و تبارگرایی، تعارضات قومی
حاشیه‌ای شدن بر اثر سیاست‌های کابینه‌ها	تعارض اجتماعی بین حاشیه و متن، تعارضات هویتی، سیاسی شدن تقاضاها و روش‌های بیان آن، فرقه‌گرایی سیاسی و مذهبی
فساد اداری	ناکارایی قانون، ناکارایی نظام اداری، شکل‌گیری باندها و گروه‌های فاسد، آسیب‌دیدگی ارزش‌ها و هنجارها، بی‌اعتمادی سیاسی و اجتماعی
سبک زندگی	تعارض سبک زندگی بومی و غیربومی
تعارض ایدئولوژی‌ها	سکولاریسم (تفکیک دین از سیاست)، ملی‌گرایی، تشکیک در آرمان‌های انقلاب اسلامی و روش مبارزه با استکبار و صدور انقلاب
تغییرات هدایت شده	انقلابات رنگی و مخملی، جنگ نرم، حمایت از اپوزیسیون، به چالش کشاندن انتخابات، معارض‌سازی، شبکه‌سازی اجتماعی مخالفین، دیپلماسی‌های نوین

۲-۲. عرصه ملی

در این عرصه نوعاً سرزمین و جغرافیای سیاسی، مرزها، نظام سیاسی و اتباع دولت ملی موضوع تصمیمات و ملاحظات پایدارسازی قرار می‌گیرند. با وجود تغییرات رخ داده در معنا و مصادیق حاکمیت، استقلال و حاکمیت ملی جزء حساسیت‌های پایداری امنیت برای بسیاری از کشورها است. مسابقه‌های تسلیحاتی، معماهای امنیتی، تمامیت ارضی و حاکمیت ملی از مسائل عمده و مداخلات خارجی، جنگ و منازعات مرزی، جاسوسی، خرابکاری و تجزیه‌طلبی جزء تهدیدات این عرصه است. در این سطح موضوعات سطح فردی با سطوح ملی، منطقه‌ای، فرامنطقه‌ای و بین‌المللی مرتبط شده (Foster and Bwise, 1999: 21-22) و ابعاد آن از اندیشه، آرمان و ایدئولوژی تا هویت، فرهنگ، اقتصاد، محیط زیست و حفاظت از مرزها تا منافع، همبستگی ملی و تمامیت ارضی گسترش می‌یابد. در جدول ۷ مهمترین عوامل و اشکال تهدید کننده در این سطح از پایداری امنیت بیان می‌شود.

جدول ۷. ناپایداری امنیت در سطح ملی

عوامل	اشکال
تضعیف حاکمیت و استقلال ملی	منازعه هسته‌ای، جنگ نظامی، تهاجم فرهنگی
رقابت برای منابع کمیاب	تعارضات با همسایگان (رودخانه‌های مرزی، میادین نفتی و گازی مشترک، تعیین حدود در دریا)، درگیری با نیروهای نظامی بیگانه
تضعیف نظام	انقلاب رنگی، جنگ نرم، آشوب، اغتشاش، نافرمانی مدنی، تحریم انتخابات، جنگ اقتصادی
تروریسم	ترور دانشمندان هسته‌ای، شخصیت‌ها و مقامات سیاسی، شهروندان عادی، عملیات انتحاری، گروه‌های تروریستی حمایت شده از خارج
جاسوسی	جاسوسی هسته‌ای، نظامی و...
وابستگی و نفوذ سیاسی و فکری	پناهندگی دادن به مقامات سیاسی، شخصیت‌های ذی نفوذ توسط دولت‌های دشمن یا رقیب
تجزیه سرزمینی	تجزیه‌طلبی قومی، مداخله نظامی
مقابله با قدرت نرم جمهوری اسلامی در محیط بین‌المللی	جنگ رسانه‌ای، تخریب سرمایه فرهنگی برون‌مرزی
تضعیف توان و اراده نظام در تعقیب اهداف استراتژیک	مانع‌تراشی، کاهش حمایت و مشروعیت نظام

تخریب مبانی فکری و ایدئولوژیک نظام	سکولاریسم، فرقه‌سازی سیاسی و دینی، دین‌گردانی، عرفان‌گرایی کاذب
تغییرات زیست محیطی	گسترش بیابان، تخریب جنگل، دریاچه‌ها و تالاب‌ها، ریزگردها، آلودگی‌های هوا و آب - لکه‌های نفتی و تاربال‌ها و... باران‌های سیل‌آسا، خشکسالی، کمبود آب شرب...
تخریب بنیان‌ها و مؤلفه‌های هویت ملی	تعارضات ملی و قومی (فرهنگ، زبان و ...)

۲-۳. عرصه فراملی

تهدیدات این عرصه مبدأ مشخص و روشنی ندارند و آسیب‌های زیاد و در سطح وسیع از سلامت انسان تا تخریب و اختلال در سیستم‌های کامپیوتری شخصی، دولتی، شرکت‌ها و شبکه‌های حمل و نقل هوایی، قطارها، بازارهای مالی، بانک‌ها، رسانه‌ها، شبکه‌های تولید و توزیع برق، مخابرات ایجاد می‌کنند. انواع ارتباطات و اتصالات میان جوامع به‌خصوص از نوع تکنیکی آن، بزرگراه‌هایی هستند که این تهدیدات را به صورت روان و غیرقابل پیش‌بینی از مرزهای جغرافیایی یک کشور به کشور دیگر وارد می‌کنند. شیوع ویروس‌ها و امراض واگیر و صعب‌العلاج همانند ایدز، سارس، ایبولا که گاه در یک ماه ویروس در جهان منتشر شده است (Kayyem, 2012)، تروریسم جهانی، ویروس‌های کامپیوتری (نیترو Nitro، دی‌یوکیویو DUQU، استاکس‌نت Stuxnet)، تجارت مواد افیونی، قاچاق انسان، آلودگی‌ها و تغییرات زیست محیطی، جرائم سازمان‌یافته، تسلیحات سبک، سلاح‌های کشتار جمعی، مهاجرت و جابجایی امواج انسانی و پناهندگان نمونه‌های بارزی از این تهدیدات‌اند (Cockane & Mikulaschek, 2008: 912; Eriksson and Rhinard, 2009: 245-246). در برخی موارد حتی موضوعات حقوق بشری (زنان و کودکان)، با اینکه موضوع حقوق داخلی کشورها است، ابعاد فراملی به خود می‌گیرد. ناپایداری‌های این تهدیدات به کل جهان تسری می‌یابد و نوع بشر را تهدید می‌کند.

جدول ۸. ناپایداری امنیت در سطح فراملی

عوامل	اشکال
جرائم سازمان یافته	باندهای مافیایی بین‌المللی
قاچاق کالا و مواد مخدر	قبلاً ذکر شد
تغییرات زیست محیطی	-----
تروریسم	-----

-----	مهاجرت
طراحی و اشاعه ویروس‌ها، نفوذ، خرابکاری و هک سیستم‌های رایانه‌ای بانک‌ها، بورس و...	جنگ سایبری و Malwars
قبلاً ذکر شد	امراض واگیر همانند آنفلوانزا، ایدز،...

۲-۴. عرصه منطقه‌ای

ناپایداری‌های این عرصه خاص یک منطقه مثلاً خاورمیانه، خلیج فارس، دریای خزر، آسیای مرکزی، قفقاز و... است. قاچاق مواد مخدر، مهاجرت‌های غیرقانونی، گروه‌های تروریستی و تجزیه طلب که دامنه فعالیت آن‌ها یک منطقه یا چند کشور است همانند القاعده، پژاک و طالبان که اقدامات آنان؛ ترکیه، ایران، افغانستان، پاکستان، عراق و سوریه را در بر می‌گیرد. تهدیدات سطح منطقه‌ای ناشی از خصومت و منازعه میان دولت‌های یک منطقه است. کمیابی منابع و اختلافات ارضی عامل اصلی این تهدیداتند (Tookey, 2007: 192). موارد در جدول ۹ مشاهده می‌شود.

جدول ۹. ناپایداری امنیت در سطح منطقه‌ای

عوامل	اشکال
منازعات سوریه	ایجاد منازعه بین ایران، ترکیه، عربستان، قطر، بی‌ثباتی در لبنان و منطقه
منابع آب، انرژی	قبلاً ذکر شد
مواد مخدر	-----
تروریسم، تجزیه‌طلبی	-----
تغییرات زیست محیطی	-----
ایران‌هراسی	ملی‌گرایی عربی در برابر امت‌گرایی اسلامی
ابهام آفرینی مرزی	امارات و جزایر ایرانی، انگلیس و مالویناس (آرژانتین) و...
دزدی دریایی	ربودن نفتکش‌ها و کشتی‌های تجاری، گروگان‌گیری

۲-۵. عرصه بین‌المللی

اقدامات این سطح بر مفروضه‌ای استوار است که «امنیت یک دولت وابسته به امنیت سایر دولت‌ها یا لاقلاً یک دولت دیگر است...» [یعنی] امنیت یک طرف شدیداً از اقدامات طرف مقابل متأثر می‌شود و عکس آن. نتیجه، آسیب‌پذیری متقابل دولت‌ها در فضای بین‌المللی است (Wohlforth, 2010: 15; Haftndorn, 1991: 8). زبده اقدامات پایدارسازی در این سطح

«قابلیت‌های دفاع و بازدارندگی در شرایط وابستگی استراتژیک» است. منظور از «وابستگی استراتژیک، وضعیت توزیع نسبی قدرت میان کشورها» است (Haftndorn, 1991: 214) و قدرت به قابلیت‌های بسیج امکانات اقتصادی، فن‌آورانه و نظامی کشورها ارجاع دارد. فروپاشی روسیه در دهه ۱۹۹۰م، مسائل جهانی شدن، تهدیدات و نگرانی‌های زیست محیطی، انرژی، مهاجرت، امراض واگیر، تروریسم بین‌المللی، حقوق بشر، جنگ‌های سایبری، ایران‌هراسی، شیعه‌هراسی، اسلام‌هراسی نمونه‌هایی از تهدیدات عرصه است (Hamre, 2012; Shaffer, 2007: 11).

جدول ۱۰. ناپایداری امنیت در سطح بین‌الملل

عوامل	اشکال
سرمایه فرهنگی فرامرزی	مصادره نمادها، و نفوذ در عمق استراتژیک فرهنگی ایران
مواد مخدر	قبلاً ذکر شد
گروه‌های تروریستی	-----
مهاجرت	-----
امراض واگیر	-----
ابهام‌آفرینی مرزی، تخدیش میراث و هویت فرهنگی ایران	-----
امواج جهانی شدن (فردگرایی)، دموکراسی، اطلاعات، حقوق بشر)	تعارضات ایدئولوژیک
انرژی	تحریم نفتی، تغییر جغرافیایی سیاسی (خط لوله، سوپ و...)
رکود اقتصاد جهانی	رکود، تورم و افزایش قیمت، کاهش صادرات، بیکاری، کاهش ارزش پول
بیداری اسلامی	غیراسلامی معرفی کردن این جنبش‌ها در هدف، آرمان و رویکرد، نفوذ در ساختار اجتماعی و رهبری این جنبش‌ها و...
تضعیف و نابودی متحدان	مداخلات در سوریه، تضعیف حزب‌الله، گسترش ناامنی در عراق و لبنان
تصویرسازی منفی	ایران‌هراسی و شیعه‌هراسی، اسلام‌هراسی

نتیجه‌گیری

اجرای سیاست‌های کلان بدون تصریح مضامین ایده‌ها و الزامات اجرایی آن به اجرای ناقص و یا دور از هدف سیاستگذار منتهی می‌شود. هدف این مقاله طراحی الگویی کلان برای اجرایی شدن سیاست‌های امنیت پایدار نظام جمهوری اسلامی ایران بود. طراحی این الگو با روش الگوسازی فرمال و غیرفرمال به صورت مجزا و ترکیبی انجام گرفت. متناسب با الزامات هر عرصه الگوهای فرعی آن عرصه طراحی شد. الگوهای پایداری در نظریات موجود، امنیت پایدار در سیاست‌های کلان برنامه پنجم، امنیت پایدار، انواع آرمانی و سناریوهای ترکیبی وضعیت‌های پایداری قوی و ضعیف و وضعیت‌های مطلوب و نامطلوب در عرصه مفهومی و آرمانی؛ ترسیم وضعیت‌ها و سطوح امنیت پایدار و تهدیدزدایی و امنیت‌زایی در عرصه‌های رویکردی و اقدام از جمله الگوهای فرعی سازنده الگوی کلان اجرای سیاست‌های کلان امنیت پایدار است.

کتابنامه

- آدمی، علی و دیگران (۱۳۹۰)، «الزامات گذار به امنیت ملی پایدار»، *دوفصلنامه علمی - پژوهش دانش سیاسی*، سال هشتم، شماره اول.
- افتخاری، اصغر (۱۳۷۹)، «جغرافیای امنیتی؛ بررسی کانون‌های بروز «انقلاب - ۲» از دیدگاه امام خمینی (ره)»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، شماره ۹.
- شاکری، رضا (۱۳۸۱)، «مبانی اسلامی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران از منظر قانون اساسی»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، شماره ۱۵.
- مجمع تشخیص مصلحت نظام، کمیسیون نظارت دبیرخانه (۱۳۹۰)، *لوح سیاست‌ها*، تهران: کمیسیون نظارت دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام.

- Aguirre, Mariano (2008), "The New Faces of Violence and War: Peace and Security, challenges", *Esrtactgia*, No 26-27.
- Blackburn, William (2007), *The Sustainability HandBook*, UK: Cromwell Press.
- Buzan, Barry, Ole Waver and Japp de Wilde (1998), *Security: a New Framework for Analysis*, USA: Lynne Rienner Publishers,
- Cockane, James and Christoph Mikulaschek (2008), *Transnational security Challenges and the United Nations: Overcoming Sovereign Walls and Institutional Siols*, International Peace Academy. [www. ipacademy. org](http://www.ipacademy.org)
- Eriksson. Johan and Mark Rhinard (2009), "the internal-external security nexus notes on an emerging research agenda", *Cooperation and Conflict: Journal of the Nordic International Studies Association*, Vol. 44.

- Foster, Gergory D, Luise Bwise (1999), "Sustainable Security", **Harvard International Review**; Fall; 21, 4; ABI/INFORM Global.
- Haftendorn, Hegla, (1991), "The Security Puzzle: Theory-Building and Discipline-Building in International Security", **International Studies Quarterly**, Vol. 35, No. 1.
- Hamer, Jhon (2012), "keynote address", **Global Security Forum**, Center for Strategic and International Studies(CSIS), USA.
<http://www.tobinproject.org/research-inquiry/national-security>(visited: 18/7/2012)
- Kassel, Kerul (2012), "The Circle of Inclusion: Sustainability, CSR and the Values that Drive Them", **Journal of Human Values**, Vol 18, No 2.
- Kayyem, Juliette (2012), "Ebola outbreak is quelled-this time", **Boston Globe**, August 9.
- Micheletti, Michele and Dietlind Stolle (2012), "Sustainable Citizenship and the New Politics of Consumption", **The ANNALS of the American Academy of Political and Social Science**, 644, pp 88-120.
- Morton, Rebeca. B(2004), **Methods and Model**, UK: Cambridge University Press.
- Oxford Research Group (2012), <http://www.oxfordresearchgroup.org.uk>
- Shaffer, Brenda (2007), "Shiite Crescent might not be what it seems", **Baltimore Sun**, April 25.
- Simon, Marc V, Harvey Starr (2000), "Two-Level Security Management and the Prospects for New Democracies: A Simulation Analysis", **International Studies Quarterly**, Vol. 44, No. 3.
- Smith, Gayle E (2008), **In Search of Sustainable Security. Linking National Security, Human Security, and Collective Security to Protect America and Our World**, <http://www.americanprogress.org/publicsearch/?text=Enter+search+terms+here&searchicon.x=11&searchicon.y=8>(visited: 17/7/2012).
- Straussfogel, Debra (1997), "Redefining Development as Humane and Sustainable", **Annals of the Association of American Geographers**, Vol. 87, No. 2.
- Thomas, Raju G. C (2003), "What is Third world Security?", **Annu. Rev. Polit. Sci.** 6: 205-32. <http://polisci.annualreviews.org>
- Tookey, Douglas L (2007), "The Environment, Security and Regional Cooperation in Central Asia", **Communist and Post-Communist Studies**, vol 40, 191- 208. www.elsevier.com/locate/postcomstud
- Wilkinson, paul (2010), "Terrorism", in **The Routledge Handbook of Security Studies**, Edited by Myriam Dunn Cavelty and Victor Mauer, Routledge, published in the Taylor & Francis e-Library, Canada and Uk.
- Wohlforth William C. (2010), "Realism and Security Studies", in Myriam Dunn Cavelty and Victor Mauer (Eds), **The Routledge Handbook of Security Studiесе**, NewYork, London: Routledg.